



## یتیم‌خانه‌های مدرن

ناملی در تاریخچه‌ی مهدکودک

راویان: نسیمی

شرایط کنونی، وجود مهدکودک برای رشد جامعه ضروری به نظر می‌رسد. مراجعه به تاریخ مهدکودک نیز نشان می‌دهد، بخشی از رشد صنعتی جوامع، مرهون وجود مهدکودک بوده است. مروری بر تاریخ شکل‌گیری مهدکودک، ما را در دستیابی به تحلیلی بهتر از آن یاری می‌کند.

اولین مؤسسات مراقبت از کودک با الگو قرار دادن یتیم‌خانه‌ها، ۲۶۱ سال پیش؛ یعنی در سال ۱۱۲۹ شمسی (۱۷۵۰ میلادی) در کشور اتریش شکل گرفت. این مؤسسات در کنار کارگاه‌های تولیدی و در ساعات کاری زنان کارگر، به امر حمایت و نگهداری کودکان و کمتر به آموزش آنان می‌پرداخت. مؤسسات مراقبت از کودک برای خانواده‌های فقیر طراحی شده بود تا زمانی که زنان در شرایط سخت مشغول به کار هستند، کودکان آن‌ها به دنبال بزه‌کاری نباشند و برای جامعه دردسر جدید درست نکنند.

در سال ۱۲۱۹ (۱۸۴۰ میلادی) بر اساس طرحی از «فریدریش فروبل» اولین کودکانستان با نام kindergarten به معنای «باغ کودک» با شکل جدید در آلمان ساخته شد؛ در مهدکودک‌های جدید، آموزش در کنار بازی گنجانده شده بود که به مرور از لحاظ کیفی و کمی پیشرفته‌تر می‌شد؛ تشکیل اتحادیه‌ی شغلی مربیان مهدکودک، وضع قوانین مربوط به تأسیس، برنامه‌ریزی، اداره، نظارت و مراقبت‌های تربیتی، تغییر در ساختار ظاهری و فضا و مسائل آموزشی از جمله پشتیبانی‌هایی است که زمینه‌ی گسترش مهدکودک‌ها را فراهم‌تر ساخت. قابل توجه است که از سال ۱۲۶۴ تا سال ۱۲۹۱ (۱۸۸۵ تا ۱۹۱۲) تعداد مهدکودک‌ها در اتریش بیش از چهار برابر شد.

به تدریج از سال ۱۲۹۹ (۱۹۲۰) به بعد، مراکز مراقبتی به سمت حاشیه رانده شدند و سیاست‌گذاری‌های کلان به سمت مهدکودک‌های همراه با آموزش می‌رفت. در این سال‌ها بیشتر پایتخت‌های جهان دارای مهدکودک بودند و برنامه‌ریزی‌ها بسیار دقیق‌تر صورت می‌گرفت. تفکیک گروه‌های سنی، تهیه اسباب بازی‌های مفید برای هر گروه، تنظیم کلاس‌های ژیمناستیک و تدریس موسیقی از جمله این برنامه‌ها بود.

با گذشت زمان، گردانندگان دولتی (دولت، ایالت‌ها، بخش‌داری‌ها، انجمن‌های بخش‌داری) رقبیان سرسختی پیدا کردند. بخش خصوصی مثل کلیساها، انجمن‌های مذهبی، مؤسسات درمانی، کارگاه‌ها و اشخاص خصوصی که شرایط لازم را داشتند، اقدام به تأسیس مهدکودک می‌کردند. البته همیشه یک «انجمن حمایتی» در منافع این مهدها هم‌کاری می‌کرد که در سیاست‌گذاری‌ها نقش مهمی داشت. اکنون مهدهای الکترونیک در کشورهای اروپایی رایج شده است که از طریق اینترنت کودک را با برنامه‌ی درخواستی والدین سرگرم می‌کنند و آموزش‌هایی به آنان می‌دهند.

در ایران اما علت تأسیس مهدها کاملاً متفاوت بود! اولین مهدکودک را ۹۲ سال پیش (در سال ۱۲۹۸ شمسی) مسیونرهای مذهبی و اقلیت‌های دینی در تهران احداث کردند. سال ۱۳۰۳ جبار باغچه‌بان در تبریز «باغچه اطفال» را تأسیس کرد و چند سال بعد (۱۳۰۷) کودکان دیگری در شیراز دایر نمود.

اهدافی که مهدها در ایران به دنبال داشتند بیشتر سیاسی و

## اشاره

«پیشرفت» لوازمی دارد و یکی از این لوازم مهدکودک است. با گذری بر تاریخ مهدکودک و تحلیلی بر آن، شاید بالاخره پیش‌فرض پیشرفت مورد تردید قرار گیرد، و مهم‌تر از آن، این تلقی که «تنها شکل پیشرفت، پیشرفتن به سمت آرمان‌های نظام سرمایه‌داری است» اندکی مورد تأمل واقع شود. هر چند غرب‌زدگی ما چنان ریشه‌دار است که این روزها، با این که حتی مردم در وال‌استریت نیز پایان دوران سرمایه‌داری و شکست شعارهایش را فریاد می‌زنند، روشنفکران مادر مجلات عالمانه‌ی خود آسمان را به عقد ریسمان درمی‌آورند تا نشان دهند بحران‌های اخیر، عارضی بر گل رخسار سرمایه‌داری بیش نیست و شجره‌ی طیبه‌ی سرمایه‌داری در اصل و ذات خود هیچ اشکالی ندارد!

## دو نگاه

اولین مؤسسات مراقبت از کودک با الگو قرار دادن یتیم‌خانه‌ها، ۲۶۱ سال پیش در کشور اتریش شکل گرفت

بشر هیچ‌گاه در طول هزاران سال حیاتش، به نهادی به نام مهدکودک احساس نیاز نکرده بود؛ پس چه شد که در دوره‌ی جدید به ناگاه به چنین نیازی پی‌برد؟ چه شده است که در ایران، روز به روز بر تعداد مهدکودک‌ها افزوده می‌شود؟ وقتی ما زندگی کنونی انسان و شرایط خانواده را نگاه می‌کنیم، تردید نمی‌کنیم که یکی از نهادهای ضروری در جامعه مهدکودک است.

این ضرورت از ابعاد مختلف احساس می‌شود؛ امروزه اکثر زنان تمایل دارند تحصیلات خود را تا سطح عالی ادامه دهند، برای همین ازدواج و فرزنددار شدن را تا حد زیادی به تأخیر می‌اندازند. بعد از اتمام تحصیل به دنبال کاری با درآمد مناسب هستند. نزد اغلب زنان، خانه‌داری مساوی با احساس سرافکنندگی و پوچی است.

زنی که محصل و یا شاغل است نمی‌تواند فرزند کوچکش را در خانه یا خیابان رها کند، و ناچار است به مهدکودک روی بیاورد. حتی در ساعاتی که می‌تواند در خانه با کودکش باشد، برای تمديد اعصاب، استراحت و نیز رسیدگی به کارهای مختلف، ترجیح می‌دهد فرزندش را کس دیگری حداقل چند ساعت نگه دارد تا او به کارهایش برسد. او وقت، حوصله و توان خود را صرف کار دیگر کرده است و مهدکودک به یاریش آمده است.

مهدکودک کمک می‌کند تا نیرو و توان زن بتواند در خدمت پیشرفت اجتماعی و رشد اقتصادی قرار بگیرد. از طرف دیگر در مهدکودک محیط و وسایلی برای بازی کودکان فراهم است که در خانه‌های آپارتمانی کنونی یافت نمی‌شود. بنابراین در

اگر بیشتر دقت کنیم، خواهیم دید که کودک پنج ساله‌ی ما بیشتر از این که نیاز به حفظ شعر، مکالمه ناقص انگلیسی و یا خواندن کتاب داستانش داشته باشد، نیازمند محبت و توجه مادر است. این حق اوست که در هر ساعتی که دوست داشت از خواب بیدار شود، با آرامش صبحانه بخورد، در طول روز در کنار مادر مهربانش بازی کند و کسی برایش برنامه درسی نداشته باشد.

در بعضی تحلیل‌ها گفته می‌شود که امروزه با توجه به پیشرفت تکنولوژی و تأمین امکانات رفاهی، مادران فرصت بیشتری برای رسیدگی به کودکان خود دارند!! در حالی که در گذشته با توجه به تعداد زیاد فرزندان، و نبودن وسایل مدرن، مادر همیشه مشغول پخت‌وپز و شست‌وشو بوده و کمتر فرصتی برای محبت و رسیدگی کردن به کودک خود را پیدا می‌کرد. اما واقعیت زندگی امروز به گونه‌ای است که اغلب مادران حتی حوصله‌ی تنها فرزندشان را نیز ندارند.

بازی کردن، نقاشی کشیدن و یا قصه گفتن برای کودکان آنقدر سخت شده که همه به دنبال راه‌کار مفید و زود بازده هستند. بعضی به وسایل کمک آموزشی دیجیتالی، بازی‌های کامپیوتری و یا فیلم‌های کارتنی روی می‌آورند و بعضی دیگر به مهدکودک‌ها رجوع می‌کنند. و برخی از هر دو برای فاصله‌ی بیشتر با فرزند مدد می‌گیرند. مادری که نمی‌داند برای بهترین ساعات روز کودکش، با چه تفکری برنامه‌ریزی شده، چگونه در آینده با فرزندش ارتباط برقرار می‌کند؟

فهرمان‌های بازی کامپیوتری، شخصیت‌های کارتونی و یا حتی خاله و عموهایی که ما آن‌ها را به نام مجری برنامه کودک می‌شناسیم، هیچ‌کدام به صورت تصادفی کاری نمی‌کنند، حرکات و کلام‌شان همه درسی ماندگار به کودک ما می‌دهد و مادر فارغ از این ماجرا مشغول کارهای دیگری است.

در مهدکودک‌ها وضعیت بحرانی‌تر است؛ مادر در آنجا حضور فیزیکی ندارد و اصلاً مطلع نیست که روح کودکش با چه آموزشی رشد می‌کند. از خصوصیات اخلاقی مربی و هم‌بازی‌های کودکش بی‌اطلاع است و فقط صبح‌ها کودک خواب‌آلودش را تحویل می‌دهد و بعد از ظهر او را خسته و بی‌حوصله به خانه می‌آورد. کودک نیز وقتی به خانه بازگشت با خواندن یک شعر کوتاه و یا کشیدن یک نقاشی ساده، آبی بر آتش عذاب و جدان و البته نهفته‌ی مادر ریخته و او را خوشحال می‌کند. ■

تربیتی بود؛ برای ترویج تفکرهای مختلف، کودکان خانواده‌های مرفه و کارمندان عالی‌رتبه ادارات در مهدکودک‌ها ثبت‌نام می‌شدند. استقبال این خانواده‌ها از عمل‌کرد کودکان‌ها باعث شد در زمان کوتاهی در تهران و چند شهر بزرگ دیگر، مهدکودک‌هایی توسط بخش خصوصی دایر شود. از جمله مهم‌ترین برنامه‌های این مراکز بازی با کودکان، آموزش مقدماتی خواندن و نوشتن، آموزش اشکال هندسی و نقاشی بود.

با وجود این که امتیاز مهدکودک از گذشته تا امروز به نهادهای مختلفی مثل وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه (۱۳۱۰)، وزارت فرهنگ (۱۳۳۴)، اداره تعلیمات ابتدایی (۱۳۴۰)، آموزش و پرورش و در آخر سازمان بهزیستی واگذار شده، اما تنظیم برنامه‌های روزانه در مهدکودک‌ها سلیقه‌ای است. امروزه در ایران برنامه‌های آموزشی مهدها بر محوریت قرآن، ورزش، موسیقی و یا زبان انگلیسی طراحی می‌شود؛ به عبارت دیگر در هر مهدکودکی سیاست خاصی دنبال می‌شود و برنامه تربیتی منسجمی در سطح کشور و یا حتی یک استان وجود ندارد.

افزایش تعداد مهدکودک‌ها در کشور بسیار چشم‌گیر است؛ طبق آمار ثبت شده سال ۱۳۲۲ در سراسر کشور تنها تعداد ۷ کودکان‌ستان وجود داشت، در حالی که سال ۱۳۳۱ به ۷۴ و سال ۱۳۵۱ به ۴۳۱ مرکز گسترش یافت. گروه سنی پذیرش شده ابتدا ۴ تا ۷ سال بود که به تدریج دامنه این گروه وسعت یافت؛ امروزه بیش از ۱۴۰۰۰ مهدکودک فعال هستند، مهدهایی که حتی آمادگی پذیرش کودکان یک ماهه را نیز دارند.

با توجه به افزایش کمی مهدکودک‌ها می‌توان نتیجه گرفت که از سال ۱۳۵۰ به بعد، انگیزه و میل سپردن کودکان به مهدکودک در خانواده‌های طبقه متوسط بیشتر شد، در حالی که امروزه حتی خانواده‌های طبقه ضعیف نیز در تلاشند تا از امکانات مهدکودک استفاده کنند. با شکل‌گیری مهدهای ساعتی که بیشتر به «خانه‌ی بازی محله» معروفند، این امکان فراهم شده تا هر ساعتی که مادر نیاز داشت با پرداخت بهایی اندک، کودک خود را برای زمانی مشخص به این مراکز بسپارد. کودکان در این مراکز از انواع اسباب‌بازی‌ها، وسایل نقاشی و خمیربازی استفاده کرده و یا مریبان با حوصله، برایشان کتاب و شعر می‌خوانند تا مادر به خرید و یا کارهای دیگر خود رسیدگی کند.

با توضیحات فوق روشن شد که در زندگی صنعتی امروز، پیشرفت اقتضا می‌کند که محل‌هایی برای نگهداری کودکان و حتی نوزادان وجود داشته باشد. اما سخن این جاست که این پیشرفت، پیش‌رفتن به سمت چه چیزی است؟ و آیا دست‌آورد‌های این پیشرفت در مقابل زیان‌ها و آسیب‌هایش ارزشی دارد؟ و مهم‌تر این که آیا تنها شکل پیشرفت همین شکل موجود است و نمی‌توان به شکلی از پیش‌رفت دست‌یافت که خسارات کنونی را نداشته باشد؟

امروزه یکی از مؤلفه‌های ارزیابی خانواده رشد فرهنگی است و یکی از نمودهای رشد فرهنگی میزان مهارت‌ها و اطلاعاتی است که کودک یک خانواده دارد. و پندار بر این است که کودکان فقط در مهدکودک می‌توانند این اطلاعات و مهارت‌ها را به دست آورند.

#### دو نگاه

در بعضی تحلیل‌ها گفته می‌شود که امروزه با توجه به پیشرفت تکنولوژی و تأمین امکانات رفاهی، مادران فرصت بیشتری برای رسیدگی به کودکان خود دارند!!